

تحلیل آماری بازتاب «گیاهان و جانوران» در اشعار فرخی و مقایسه با اشعار منوچهری و عنصری

(ص ۱۴۲ - ۱۲۷)

محمد فولادی (نویسنده مسئول)^۱، منصور ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش هستیم که: بازتاب «گیاهان و جانوران»، در دیوان اشعار فرخی سیستانی، یکی از شاعران معروف طبیعت‌گرای سبک خراسانی، چگونه است؟ و از تحلیل آماری این موضوع بر اساس نرم افزار آماری SPSS نسبت به تحلیل آماری داده‌ها و با استفاده از تست‌های آماری همچون Anova چه نتایجی به دست می‌آید؟ پس از آن، در مقایسه این نتایج با اشعار دوشاعر دیگر سبک خراسانی (منوچهری و عنصری)، که به عناصر طبیعت و بویژه گل و گیاه و پرندگان و جانوران توجه دارند، چه دستاوردهایی بدست خواهد آمد؟ بدین منظور ابتدا ده مدخل اصلی و زیر مجموعه‌های آنها بر اساس عناصر مهم طبیعت تعیین گردید و اطلاعات کلیه اشعار که دارای حداقل یکی از این عناصر زیست‌محیطی بودند، در بانک اطلاعاتی وارد و سپس گزارشها و نتایج به دست آمده، تحلیل آماری گردید. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در عمده ابیات هر سه شاعر، حداقل یکی از عناصر طبیعت وجود دارد. بیشترین عناصر زیست‌محیطی در شعر عنصری و منوچهری مربوط به مدخل مدنیات و سپس گلها و گیاهان بوده ولی در شعر فرخی بیشترین توجه به پرندگان و جانوران، بویژه جانوران، شده است و سپس مدنیات در مرحله دوم قرار دارد. این امر نشان‌دهنده آشنایی و انس کامل هر سه شاعر با فرهنگ و مظاهر فرهنگی و مدنی و نیز طبیعت پیرامون است. توجه ویژه این شاعران به گل و اجزای آنها و نیز پرندگان و جانوران و استفاده از گلهای خاص، بویژه در شعر منوچهری، از نکات قابل توجه است؛ این موضوع در انواع پرندگان نیز وجود دارد؛ البته در بیشترین و کمترین کاربردها و توجه هر شاعر به نوع خاصی از گلها و نباتات و یا پرندگان، نوع کاربرد و بسامد آنها، تفاوت‌هایی وجود دارد که در متن مقاله بدانها اشاره و سپس تحلیل شده است.

کلمات کلیدی:

اشعار فرخی سیستانی، سبک خراسانی، عنصری بلخی، منوچهری دامغانی، «گیاهان و جانوران»، تحلیل آماری.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم (mmohaamad_1348@yahoo.com)

۲ - دانشیار دانشگاه قم (گروه زیست‌شناسی)

۱ - مقدمه

طبیعت و مظاهر آن مانند کوه و دشت، درختان، گیاهان، پرندگان و فضای سبز از جمله موضوعاتی است که آدمی از آغاز آفرینش با آنها پیوند داشته است؛ گاه حتی برخی از درختان و گیاهان مقدس شمرده میشدند. آوای خوش اوستاخوانی روحانیون زردتشی (مغان) در ادبیات فارسی در صدای زیبای بلبل به شکل زندباف آمده است و زندباف نام دیگر بلبل شده است. فرخی سیستانی میگوید:

هر گلی را، به شاخ گلبن بر زندبافی است با هزار شغب

(دیوان فرخی، دبیرسیاقی، ب ۲۵۷)

بزرگترین عید باستانی ایران، عید نوروز نیز با عناصر طبیعت گره خورده است. این توجه به طبیعت چنان قوی بوده که حتی بعد از اسلام نیز این آیین همچنان به عنوان روزی ملی محسوب میشود. در دیدگاه شرایع آسمانی نیز طبیعت و عناصر زیست‌محیطی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ آب و آتش و خاک و باد از مطهرات و پاکیزه‌ها و پاک‌کننده‌ها محسوب میشوند. وحی بر پیامبرانی مانند حضرت محمد (ص) و موسی (ع) در کوه (غار ثور و کوه طور) نازل میشود و کوه جایگاه اتصال به عالم بالا و محل آرامش خاطر است. در باورهای دینی ایران باستان نیز برخی مظاهر طبیعت مانند آتش مقدس شمرده میشود و برخی گیاهان مانند هوم و مهر گیاه، جنبه تقدس داشته‌اند؛ موبدان و مغان زردتشی عصاره و شربت این گیاه را سحرگاهان مینوشیدند و سپس به خواندن کتاب مقدس اوستا میپرداخته‌اند، در آتشکده‌ها نیز درخت انار کاشته شده است (جهان فروری، فره وشی، ۳۵ و ۳۶) و سرو کاشمر دست‌نشانده زردشت است. زردشت خود از حامیان جدی حقوق حیوانات بود و آیین قربانی گاو و گوسفند در مقابل خدایان را که پیش از او در آیین مهری مرسوم بود؛ بشدت منع کرد. (همان: ص ۳۵ و ۸۴ و نیز: گل و گیاه، رنگچی، شش).

۱-۱. ادبیات و شعر فارسی نیز، از همان آغاز با محیط زیست و عناصر طبیعت مانند گلها و گیاهان و پرندگان و جانوران و آب و باران و سایر عناصر در ارتباط بوده و عمده اجزای تشکیل‌دهنده خیال شاعرانه، از طبیعت اطراف شاعر گرفته شده و قوانین طبیعت با نگاه هنرمندانه شاعر کشف و بیان شده است. طبیعت‌گرایی و طبیعت‌سرایی از جمله ویژگیهای مهم سبک خراسانی است و همین امر باعث شده که به برخی از اشعار این سبک که به نقاشی دقیق مظاهر طبیعت پرداخته‌اند، «شعر لحظه‌ها و نگاهها و یا هایکوی ایرانی» اطلاق شود (سبک‌شناسی شعر، شمیس، ۸۲-۷۵). از جمله شاعران این سبک که به مظاهر طبیعت پرداخته و به شاعر طبیعت معروف شده، منوچهری دامغانی شاعر قرن پنجم هجری است (وفات: ۴۳۲ ه. ق). او با طبیعت و عناصر طبیعی و زیست‌محیطی انس ویژه‌ای داشته

و محوریت بیشتر تجربه‌های شاعرانه و تشبیهات و استعارات و اجزای خیالهای شاعرانه او از طبیعت و عناصر طبیعی است. (صور خیال، شفيعی کدکنی، ۳۹۸ و ۳۹۳). ما این موضوع را در مقاله‌ای دیگر واکاویده ایم: (Fooladi; 2009: 132-139). از دیگر شاعران نامی سبک خراسانی در شعر فارسی، یکی عنصری بلخی (م. ۴۳۱)، سرآمد سخنوران پارسی در دربار سلطان محمود غزنوی و سپس سلطان مسعود و دیگر فرخی پس از دربار چغانیان، به دربار محمود غزنوی و نیز سلطان مسعود و محمد، راه یافت و بر اثر قدرت در شعر و شاعری و مهارت در موسیقی، در دربار قربت و مکانت بسیار یافت و به ثروت و نعمت بسیار رسید. فرخی در وصف و بویژه وصف طبیعت چیره دستی ویژه‌ای دارد و این موضوع، هم در قصاید و هم در تغزلهای او نمایان است. (تاریخ ادبیات، صفا، ۵۳۹-۵۳۰). فرخی در تنوع حوزه خیالهای شاعرانه و لطافت تصویرها، شاعری ممتاز است و از پیشینیان و معاصران او تنها منوچهری است که در جهاتی با او قابل سنجش است (صورخیال، شفيعی کدکنی، ۴۸۶). بدیع و تازه بودن تصاویر و بهره‌گیری از عناصر موجود در خارج در دوسوی تشبیه، از ویژگیهای توصیفیهای فرخی سیستانی است. گرچه تصویرگله‌ها و پرندگان و میوه‌های شعر او، گسترش گله‌ها و پرندگان و میوه‌ها و دیگر عناصر طبیعت را در دیوان منوچهری ندارد اما از نظر نمونه‌های وصف بویژه وصف باغ چه در بهار و چه در خزان، دیوانش یکی از غنی‌ترین دیوان‌های شعر فارسی است. قیاس انسان با طبیعت و طبیعت با انسان و حلول شاعر در اشیا و عناصر طبیعت، از ویژگیهای شعر فرخی است. (پیشین، ۵۰۰-۴۸۶).

با توجه به مطالب یادشده، در این مقاله در پی آن هستیم که بازتاب عناصر طبیعت و زیست محیطی را، که یکی از مهمترین ویژگیهای سبکی این دوره است، با محوریت پرندگان و جانوران و گله‌ها و گیاهان، در شعر یکی از شاعران برجسته این دوره، یعنی فرخی سیستانی بررسی و آنگاه آن را با اشعار منوچهری دامغانی و عنصری بلخی مقایسه کنیم.

۱-۲. پیشینه: بررسی آماری و تطبیقی در این موضوع تاکنون انجام نشده و این تحلیل در نوع خود برای نخستین بار انجام می‌پذیرد، گرچه در کتابهایی مانند گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی، گلکاری علمی، گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، فرهنگ نامهای گیاهان ایران و برخی مقالات و پایان نامه‌ها (ر.ک: منابع و مأخذ) به این موضوع پرداخته شده ولی به گونه‌ی تحلیل آماری و مقایسه‌ای، تا آنجا که بررسیها نشان داد، کاری انجام نشده است.

۳-۱. روش کار: در ابتدا ده مدخل اصلی شامل آسمانیه‌ها، زمینیه‌ها، آب، جهات اربعه، هوا، زمان، آتش، رویدنیها، جانوران و مدنیات تعیین گردیدند و در هر مدخل عناصر مربوط به

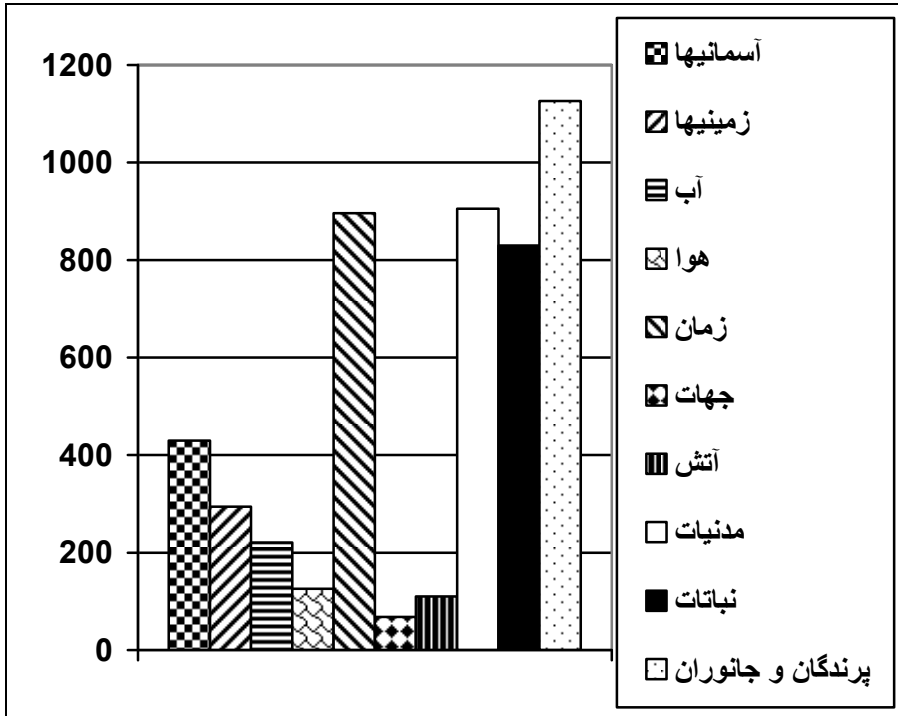
محیط‌زیست مشخص گردیدند (نمودار شماره ۱). از دیوان شعر بجا مانده از فرخی، بر اساس جدول شماره ۱، کلیه اشعاری که دارای حداقل یکی از عناصر طبیعت بودند فیشبرداری گردید. در مرحله بعد یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری (SQL & web based) طراحی گردید و هر فیش (شامل یک بیت شعر) را بر اساس مدخل اصلی و مدخلهای فرعی زیست‌محیطی تعیین شده وارد بانک اطلاعاتی گردید. از آنجا که عناصر زیست‌محیطی در شعر فرخی بسیار زیاد بود، بنابراین در بیشتر فیشهای ورودی بیش از یک عنصر زیست‌محیطی انتخاب شده است.

در مرحله بعد با جستجو در بانک اطلاعاتی ابتدا مدخلهای اصلی و سپس کلیه مدخلهای فرعی از نظر تعداد مشخص شده و نتایج آنها استخراج گردید. در مرحله بعد با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسبت به تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از تستهای آماری همچون Anova اقدام گردید. نتایج، دسته‌بندی شده و بصورت جداول و نمودارها ارائه گردیدند.

۲- نتایج اولیه بدست آمده از بررسی آماری

در این بخش ابتدا گزارش آماری ارائه و در بخش بعدی تحلیل آماری می‌گردد. در یک تقسیم‌بندی کلی از تعداد ۸۸۳۲ بیت شعر فرخی سیستانی، ۵۱۱۵ بیت حدود (۵۸٪) دارای حداقل یکی از عناصر زیست‌محیطی مورد مطالعه در این تحقیق بوده‌اند. همانگونه که در بخش روش کار ذکر گردید ده مدخل اصلی تعیین شده که بر این اساس یافته‌های عناصر زیست‌محیطی در ده مدخل اصلی آسمانیها (۴۳۰)، زمینیهها (۲۹۴)، آب (۲۲۱)، هوا (۱۲۴)، زمان (۸۹۶)، جهات (۶۸)، آتش (۱۱۰)، مدنیات (حدود ۹۰۵)، نباتات (رویدنیها، گله‌ها و گیاهان) (۸۳۰) و پرندگان و جانوران (۱۱۲۶) بودند.

(نمودار شماره ۱).



در مدخل آسمانها از مجموع ۴۳۰ مورد، بیشترین و کمترین عناصر زیست محیطی به ترتیب با ۲۶۷ مورد به صورت فلکی واحکام واصطلاحات نجومی اختصاص یافته و بیشترین کاربرد را دارد و ۱۶ مورد به نزولات آسمانی اختصاص داشته که کمترین کاربرد را دارد. در حالی که در بین این دو، ۱۱۲ مورد به آسمان و تعبیرات آن اختصاص داشته است (آسمان ۶۰، چرخ ۳۶، گردون ۱۲، وسایر تعبیر با کاربرد کمتر) و ۳۵ مورد به بارش و موضوعهای وابسته اختصاص یافته است.

در مدخل زمینها از مجموع ۲۹۴ عناصر زیست محیطی، بیشترین و کمترین به ترتیب با ۱۶۹ و ۱ مورد به معدنیات و انواع سنگها و زلزله و موضوعات وابسته اختصاص داشته و مابین آنها به ترتیب کوه و موضوعات وابسته (۷۳)، بیابان و موضوعهای وابسته (۲۲) و زمین و تعبیرات آن (۱۲) قرار میگیرند.

در مدخل آب از مجموع ۲۲۲ مورد، به ترتیب ۱۱۸ مورد به آب و تعبیرات وابسته اختصاص دارد و سپس، مکانهای جوشش و روان شدن آب (۸۴)، دریا و موضوعات وابسته (۱۱)، وریزآبه‌ها (قطره، شبنم، ژاله) (۷-حدود) و خشکیهای وابسته به دریا مانند ساحل، جزیره و... در مرحله بعدی قرار داشتند.

در مدخل هوا از مجموع ۱۲۴ مورد، ۱۰۹ به هوا و تعبیرات آن، سیزده مورد به حالات هوا و نهایتاً دو مورد به انواع بادهای تعلق داشتند.

در مدخل زمان در مجموع ۸۹۶ مورد کاربرد داشته است که تقسیمات جزوی مانند صبح، ظهر، شب و روز با ۳۸۵ مورد، زمان و تقسیمات کلی مانند دهر، زمان، زمانه، سال با ۳۲۴ مورد، فصلها و ماهها با ۱۸۸ مورد و جشنها و عیدها با ۵۰ مورد در مدخل زمان قرار میگیرند.

در مدخل جهات در مجموع ۶۸ مورد بوده که شرق مشرق ۴۸، غرب و مغرب ۷ مورد شمال ۶، باختر ۶ و خاور یک مورد قرار داشتند.

در مدخل آتش در مجموع ۱۱۰ مورد کاربرد وجود داشته که آتش و تعبیرات آن ۸۰، جلوه‌های آتش ۱۳، مواد سوختنی ۹ و ریز آتشها (جرقه، اخگر، شرار و...) ۸ مورد بوده است.

در مدخل مدنیات از حدود ۹۰۵ مورد کاربرد، بیشترین کاربرد به مکانها و جایها با ۲۰۸ مورد اختصاص دارد و در مراتب بعدی آلات و ابزار جنگ ۱۴۸، ابزار پرستش ۱۲۶ پرده‌ها و الحان موسیقی ۸۹، زیور آلات ۵۰، خوشبو کننده‌ها ۴۷، ابزار حمل و نقل ۴۶، ظروف ۳۵، بازی و اسباب بازی ۲۷، رنگها ۲۷، خوراکی‌ها ۲۶، آلات کتابت ۲۴، پوشیدنیها ۱۹، و موارد دیگر با کاربردهای کمتر، قرار میگیرند.

در قسمت گلها و گیاهان در مجموع، ۸۳۰ مورد از عناصر زیست‌محیطی بکار رفته است که کلیات و تعابیر کلی، ۳۱۳ مورد بوده است و واژه باغ با ۸۲ مورد بیشترین کاربرد را دارد و سپس گل و گلبن با ۷۹ مورد، درخت ۴۰، بیشه و عرین ۲۴، بوستان ۲۲، مورد راغ ۱۸، مرغزار ۱۴، بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین اجزا و متعلقات گل و گیاه با مجموع ۸۱ مورد کاربرد: شاخ و شاخه و ستاک ۵۱ مورد و بار و بر و میوه با هفده مورد بیشترین کاربرد را دارند.

انواع گلها و گلهای خاص در مجموع، ۴۳۶ مورد کاربرد داشته است و از میان انواع گل، گل لاله و گونه‌های آن مانند لاله نعمان، لاله خودرو و غیره، از بیشترین بسامد (حدود ۷۰ مورد) برخوردار بوده است. پس از آن، سمن ۲۶، بنفشه ۲۲، گلنار ۱۹، نرگس ۱۸، سوسن ۱۸، ارغوان ۱۷، نسترن ۱۲، شنبلیله با ۱۲ مورد بیشترین کاربرد را داشته‌اند و

موارد دیگر مانند گل سرخ، خیری، ریحان و زرنگ با کاربرد پایین در مرتبه بعدی میباشند. در ضمن خار و خس نیز حدود ۲۳ مورد کاربرد داشته است.

در بخش مربوط به درختان و درختچه‌ها، سرو و انواع آن با ۲۴ مورد، بیشترین تعداد را داشته و سپس انار ۱۹، چنار ۱۲، بید ۹، رز و انگور ۷ مورد کاربرد داشته‌اند و موارد دیگر مانند خدنگ، نارون، بادام، کافور، صنوبر، نارنگ و جز آن در مراتب بعدی قرار میگیرند.

در بخش پرندگان و جانوران نیز مجموعاً ۱۱۲۶ مورد به عناصر زیست‌محیطی اشاره شده است و در بخش تعابیر کلی: مجموعاً، ۲۳ مورد بوده که بیشترین اشاره به مرکب و ستور و حیوانات به شکل عام ۱۵ مورد و سپس کلمه پرنده (مرغ و طایر) بوده ۱۲ مورد. و پرندگان و حیوانات اسطوره‌ای نیز ۲۱ مورد اشاره شده است: دیو ۱۶، سیمرغ و عنقا ۲، اژدها ۴ و سیمرغ ۱.

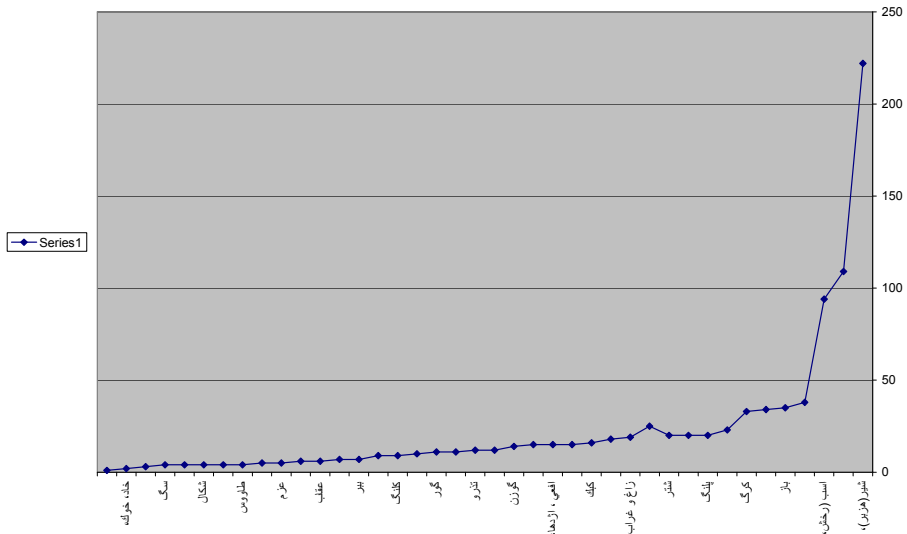
در مورد اجزا و متعلقات پرندگان و جانوران مجموعاً، ۱۱۷ مورد و مواردی مانند چنگ، چنگال و مخلب با ۶۵ مورد و پر و بال با ۱۷ مورد بیشترین کاربرد را داشته‌اند.

در میان پرندگان، کلمه مرغ به شکل مطلق و به معنی پرنده و نیز لفظ پرنده با کاربرد ۳۸ بار، بیشترین تعداد را دارا بوده است. پس از آن باز با ۳۵ مورد و بلبل با ۳۴، زاغ ۲۵، هما ۱۹، کبک ۱۸، و تذرو با ۱۲ مورد، بیشترین کاربرد را داشته‌اند و پرندگانی مانند گنجشک، دراج، سغر، کبوتر، طوطی، حواصل، جغد و مرغابی با کاربرد کم در مراحل بعدی قرار دارند. در ضمن، کلمه سیمرغ نیز حدود ۱۶ بار بکار رفته است.

اما در میان حیوانات اهلی، پیل با ۱۰۹ بار و سپس اسب با ۹۴ بار بیشترین کاربرد را دارند و در میان حیوانات غیر اهلی شیر با ۲۲۲ مورد بیشترین کاربرد را دارد و سپس کرگ ۳۳، آهو ۲۳، مار ۲۰، ماهی ۲۰، بیشترین کاربرد را دارند و حیواناتی مانند شتر، خوک، گرگ، گراز و کژدم و عنکبوت و مانند آن با کاربرد کم در مراتب بعدی قرار دارند.

اما مواردی را که در این مقاله به عنوان ملحقّات به جانداران یاد کرده‌ایم حدود ۵۱ مورد کاربرد داشته است. و درّ و مروارید با ۱۵ مورد و لؤلؤ با ۱۴ مورد بیشترین کاربرد را داشته‌اند.

نمودار شماره ۲ (پرنندگان و جانوران):



۳- بحث و بررسی تحلیلی مهمترین نتایج

همانگونه که پیش از این بیان شد، منوچهری، فرخی و عنصری از شاعران دوره غزنوی و سبک خراسانی هستند و در این دوره و سبک، شاعران نگاه ویژه‌ای به طبیعت داشته‌اند و یکی از مهمترین ویژگیهای شعر این دوره، خلق تصاویر بدیع و صورخیال با الهام‌گیری از طبیعت اطراف است. علاوه بر آن روحیه شادباشی و دم‌غنیمت‌شماری عامل مهمی برای حاکم بودن شادی و پناه بردن به دامن طبیعت و بهره‌مندی از مظاهر زیبای طبیعی است. این موضوع در شعر شاعران این دوره بازتاب و نمود زیادی داشته است و تصاویر شاعرانه و مضامین شعری هر سه شاعر، از عناصر طبیعت مانند انواع گل و گیاه، پرنندگان و حیوانات اهلی و غیراهلی ساخته میشود. عناصر طبیعی در شعر آنان نقش فعال و زنده‌ای دارد و باعث تحرک و پویایی در شعر میشود.

نتایج این بررسی نشان میدهد که تقریباً در عمده ابیات منوچهری، فرخی و عنصری حداقل یکی از عناصر طبیعی و زیست‌محیطی وجود داشته‌است، البته با توجه به تعداد ابیات و تنوع کاربرد، توجه منوچهری به این موضوع از بسامد بالاتری برخوردار است.

۱-۳. مقایسه و تحلیل کلی

بیشترین عناصر زیست‌محیطی در شعر فرخی با حدود ۱۱۲۶ مورد کاربرد، به پرندگان و جانوران (بویژه جانوران) اختصاص یافته است ولی در اشعار منوچهری و نیز عنصری مربوط به مدخل مدنیات بوده است. البته در اشعار فرخی نیز مدنیات در رتبه بعدی قرار دارد که نشاندهنده توجه هر سه شاعر به محیط اطراف و نیز زندگی مرفه و پر از نشاط این شاعران است، و دیوان این شاعران نمایشگر اوج رفاه اقتصادی در این عصر می‌باشد (سبک شناسی شعر، شمیسا، ۵۲). اما توجه افزونتر فرخی به جانوران بویژه جانورانی مانند شیر و پیل و سپس اسب، از توجه ممدوح او یعنی سلطان محمد به روحیه جنگاوری و لشکرکشی و کشورگشایی است و توجه این شاعر به این موضوع نسبت به دیگر شاعران حکایت می‌کند. پس از مدنیات در اشعار منوچهری و عنصری، بیشترین توجه به گلها و گیاهان (عنصری ۵۳۲ و منوچهری ۷۹۹ مورد) شده است و حکایت از آشنایی این شاعران با انواع گل و گیاه و درخت و حتی با اجزا و متعلقات آنها و نیز نشان از علاقه و انس آنان، بویژه منوچهری، با طبیعت دارد. در اشعار فرخی، گلها و گیاهان با ۸۳۰ مورد در مرتبه سوم یعنی پس از پرندگان و جانوران با ۱۱۲۶ مورد و مدنیات با ۹۰۵ مورد، قرار دارند که البته از بسامد بالایی برخوردار هستند و نسبت به تعداد کل ابیات این سه شاعر گرچه بسامد پایین تری دارد ولی تعداد کاربرد گلها و گیاهان در شعر فرخی نیز چشمگیر است و از توجه او به این عناصر طبیعی حکایت می‌کند.

۲-۳. بررسی عنصر گل و گیاه

در بررسی انجام شده، مشخص شد که در بخش گلها و گیاهان و رویدنیها، هر سه شاعر، هم به تعبیرات و ترکیبات عام مانند بوستان، گلستان، باغ، مرغزار، گلشن، روضه و مانند آن توجه دارند و هم به نام عمومی گل و گلاب و امثال آن می‌پردازند و در تصاویر شعری خود نیز از آنها بهره‌مند میشوند. کاربرد درخت و مترادفات آن نسبت به گل کاربرد کمتری داشته است و این امر زیبایی و جلوه‌گری و تنوع و رنگارنگی گلها نسبت به درختان را می‌رساند. گل‌های خاص، در شعر و صور خیال هر سه شاعر، بویژه منوچهری، جایگاه ویژه‌ای دارند که هم به جهت رنگ و بوی خاص و نیز زیبایی و جلوه‌ها و نمادهای شعری می‌توانسته نظر شاعران را جلب کند و باعث خلق تصاویر زیبا و بدیع گردد و حتی در خدمت مدیحه و قصیده‌پردازی و خلق مضامین مناسب در قصاید باشد. عنصری در این موضوع، بیشتر از

تعبیر عام مانند بوستان و باغ و دشت استفاده کرده است و به گلهای خاص نسبت به آن دو توجه کمتری داشته است.

نتایج این مطالعه همچنین نشان می‌دهد در میان گلهای خاص، گل لاله و اقسام آن در هر سه شاعر از بسامد بیشتری برخوردار است (فرخی با حدود ۷۰ مورد، منوچهری حدود ۶۴ و عنصری حدود ۵۲ مورد). با توجه به جایگاه گل لاله در ادبیات فارسی که مظهر آزادگی، شادی و جام به دست بودن، داغداری و ایثار و شهادت است، دور از انتظار نیست که بیشترین نوع گل به کار رفته در دیوان هر سه شاعر نیز گل لاله و اقسام آن همچون لاله‌نعمان، لاله‌خودرو و غیره باشد. پس از گل لاله در اشعار فرخی همانگونه که گذشت، سمن ۲۶، بنفشه ۲۲، گلنار ۱۹، نرگس ۱۸، سوسن ۱۸، ارغوان ۱۷، نسترن ۱۲، شنبلیله با ۱۲ مورد بیشترین کاربرد را داشته‌اند. در اشعار منوچهری پس از لاله، سمن و یاسمن ۵۱، نرگس ۳۰، بنفشه ۱۹، سوسن ۱۳، سنبل، نسترن، گل زرد و گل سرخ هر کدام با ۱۰ مورد کاربرد در مراحل بعدی هستند. در اشعار عنصری نیز پس از لاله، زعفران با ۱۶ مورد، ارغوان ۱۵، نرگس و بنفشه هر کدام ۱۱ و نیلوفر با ۹ مورد در رتبه بعد قرار دارند. در میان درختان و درختچه‌ها، منوچهری به درخت انگور (رز، تاک) و استعارات مربوط به آن بیشترین توجه را داشته است و دلیل آن را میتوان در سبک شاعری این دوره یعنی سبک خراسانی دانست و نیز این دوره تاریخی به دوره‌های آغازین اسلامی تعلق دارد و هنوز باورها و فرهنگ و جشنهای ایران پیش از اسلام و نموده‌های آیین زردشتی رواج دارند و دلیل آن را باید در روحیه شادباشی و شادنوشی در شعر این دوره که بازمانده و ادامه شعر عهد سامانی است، جستجو کرد. پس از انگور و تاک، درخت سرو و انواع آن بیشترین کاربرد را داشته است. عنصری و فرخی، برخلاف منوچهری، بیشترین و بالاترین کاربرد را در زمینه درختان، به سرو اختصاص داده‌اند و معلوم میشود آن روحیه شاد و با طراوت منوچهری در این دو نبوده است. این روحیه شاد منوچهری در مسمطات او و توجه به خمر و خمربه سرایی و جایگاه درخت رز و تاک، کاملاً نمایانست. کاربرد بالای درخت سرو در هر سه شاعر به دلیل زیبایی، سرسبزی، راست قامتی سرو و نمود آزادگی بودن آن است و به همین دلیل مورد توجه شاعران قرار گرفته است، علاوه بر آن در توصیف معشوق نیز از جنبه‌های غنایی در تغزلات قصیده از درخت سرو استفاده شده است. فرخی پس از سرو به درخت انار، چنار، بید و سپس رز؛ و عنصری نیز پس از سرو به درخت شمشاد، عرعر، صنوبر، انار و چنار بیشترین توجه را داشته‌اند. منوچهری نیز پس از تاک و رز و سپس سرو، به: انار، عود، بید و بیدمشک، چنار، نارون و نخل بیشترین توجه را داشته است. نکته قابل توجه دیگر این است که فرخی و سپس عنصری برخلاف منوچهری کلمه‌های خار و خس

را با بسامد بیشتری به کار برده‌اند که یکی از دلایل آن سفرهای فرخی و توصیف لشکرکشیهای ممدوح است و دیگر مقایسهٔ سلطان محمود و سایر ممدوحین با دشمنان آنان است؛ که سلطان محمود و سایر ممدوحین به درختان سرو و صنوبر و درختان تنومند و راست قامت و سرفراز تشبیه میشوند و دشمنان آنان در حقارت و بی‌برگ و باری به خار و خس همانند میشوند. این موضوع تا حدودی در اشعار عنصری نیز وجود دارد ولی منوچهری به دلیل علاقهٔ بیشتر به طبیعت و مظاهر طبیعی، از خار و خس کمتر محنتی می‌آورد و به انواع گلها و سایر نباتات توجه بیشتری دارد.

۳-۳. بررسی پرندگان و جانوران

توجه به انواع و اقسام پرندگان و جانوران نیز در شعر هر سه شاعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گرچه همانگونه که گذشت، در اشعار فرخی این عنصر با حدود ۱۱۲۶ مورد کاربرد، در مرتبهٔ نخست قرار دارد، اما در مقایسه این سه شاعر میتوان نتیجه گرفت که گل و گیاه، در شعر منوچهری نسبت به عنصری از نظر بسامد (عنصری با ۲۶۹ و منوچهری ۴۸۸ مورد)، از جایگاه بالاتری برخوردار است گرچه از این نظر فرخی جایگاه بالاتری نسبت به منوچهری دارد اما از نظر تنوع پرندگان و جانوران، منوچهری نسبت به دو شاعر دیگر جایگاه برتری دارد و این موضوع حکایت از انس و علاقه بیشتر منوچهری نسبت به عناصر مربوط به طبیعت و بویژه انواع گوناگون پرندگان و جانوران و نیز گل و گیاه دارد.

در کاربرد اسامی پرندگان به شکل خاص، بررسی انجام شده نشاندهندهٔ توجه ویژهٔ هر سه شاعر به پرندگان است که در این بین بلبل و مترادفات آن مانند زندواف، عندلیب، هزارستان و هزارآوا، در شعر منوچهری بیشترین کاربرد را داشته است و در شعر فرخی بلبل در مرتبه دوم و پس از پرند «باز» قرار دارد. دلیل توجه به بلبل، سنت شعری فارسی است که بلبل به دلیل نغمه و آهنگ زیبایش مورد توجه قرار میگیرد و علاوه بر آن، در تغزلات قصاید و نیز غزلیات، عاشق گل است و کاربرد بالای گل لازمه‌اش، کاربرد بالای بلبل نیز هست و البته منوچهری به دلیل علاقه ویژه به گلها و پرندگان خاص، از این سنت شعری بیشتر بهره‌مند شده است اما فرخی به دلیل وجود روحیهٔ رزم و مدح و مبالغه و اغراق در وجود او و تناسب آن با روحیهٔ ممدوح از پرندهای که با این روحیه همخوانی دارد یعنی «باز» که کلمه‌ای شاهانه و درباری است بیشتر استفاده کرده است و البته پس از آن بلبل بیشترین کاربرد را دارد.

در شعر منوچهری، پس از بلبل، پرندگانی مانند کبک، فاخته، قمری، طوطی، ماغ، باز، صلصل، هدهد، کلنگ، زاغ، و درآج در ردهٔ بعدی قرار میگیرند که هر یک به دلیل صدای خوش آنها، شکل ظاهری و زیبایی آنها، نوع رفتار و حرکت موزون و مناسب آنها و نیز نمادهای خاص هر یک در فرهنگ و ادب ایران زمین مورد توجه قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه در این بخش تنوع زیاد پرندگان در شعر منوچهری است که حدود پنجاه نوع از پرندگان به شکلهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که نشان از علاقهٔ او به پرندگان و جایگاه خاص پرندگان در تصویرسازی شاعرانه منوچهری دارد و همین ویژگی باعث خلق تشبیهات محسوس به همان اسلوب شعر «لحظه‌ها و نگاهها» شده است. در شعر فرخی نیز پس از باز و سپس بلبل، پرندگانی مانند زاغ، هما، کبک و تذرو بیشترین کاربرد را دارند. نکته قابل توجه در این کاربردها این است که در شعر فرخی زاغ و هما، کاربرد نسبتاً بالا و نزدیک به هم دارند و این نکته نشانگر بهره برداری از تقابل این دو پرند در نمادها است که یکی نمود خجستگی و دیگری نمود شومی و گجستگی است و این موضوع برای مدح ممدوح از سویی و قدح و هجو دشمنان از سوی دیگر است و فرخی از این نکته بخوبی بهره گرفته است. اما عنصری همانگونه که در بخش گلها و گیاهان نیز گذشت، بیشتر از تعابیر عام مانند مرغ و پرند استفاده کرده است و کمتر به پرندگان خاص توجه داشته است و این نیز از انس کمتر او نسبت به منوچهری و فرخی، با این عناصر زیست‌محیطی حکایت دارد و از ویژگی عنصری در قصیده‌پردازی حکایت میکند که: عنصری فقط به مدح توجه دارد و بسیاری قصاید او مقتضب است و این قصاید ذاتا حماسی است (سبک شعر، شمیسا، ۴۴).

در میان حیوانات اهلی در شعر منوچهری و عنصری، اسب و انواع و مترادفات آن مانند گلگون، باره، فرس، رخس، شب‌دیز، براق و... بیشترین کاربرد را داشته است و در شعر فرخی نیز اسب پس از پیل بیشترین کاربرد را دارد که نشاندهندهٔ اهمیت و جایگاه خاص اسب در زندگی آن دوره است و در شعر شاعران و بویژه در شعر منوچهری نیز بازتاب زیادی دارد، پس از اسب در شعر منوچهری و عنصری، پیل و شتر مورد توجه بوده که نشاندهندهٔ اهمیت و تأثیر این حیوانات در زندگی مردم آن زمان و نیز صبغه و رنگ محلی تصاویر شعری آنان است؛ گرچه همانگونه که اشاره شد در شعر فرخی بیشترین توجه به پیل است که با روحیه اغراق آمیز او بیشتر سازگاری دارد؛ پس از پیل و اسب در شعر فرخی، شتر و ماهی بیشتر مورد توجه بوده‌اند. جانورانی مانند آهو، باز، یوز، پلنگ و شاهین نیز به جهت توجه درباریان این دوره به شکار و صید، از جایگاه خاصی در شعر این شاعران برخوردار هستند.

در میان حیوانات غیر اهلی نیز در شعر هر سه شاعر، «شیر» به دلیل نمود شجاعت و دلیری و تناسب آن با قالب قصیده و موضوع مدح، بیشترین کاربرد را دارد ولی فرخی به همان دلیلی که اشاره شد با بسامد بالایی نسبت به دیگران از این حیوان در شعر استفاده کرده است. در شعر فرخی پس از شیر: کرگ، آهو، مار، یوز و گور در مرتبه بعد قرار دارند. در شعر عنصری نیز پس از شیر: مار، ماهی، پلنگ، نهنگ، یوز و غرم بیشتر مورد توجه بوده اند. در اشعار منوچهری نیز پس از شیر: آهو، مار و افعی و تین و حیة، کرگ، گورخر، پلنگ، رنگ (بز کوهی)، ماهی، یوز و خوک بیشتر مورد توجه بوده اند.

نتیجه:

۱- منوچهری، فرخی و عنصری از شاعران دوره غزنوی و سبک خراسانی هستند. یکی از مهمترین ویژگیهای شعر این دوره خلق تصاویر بدیع و صورخیال بالهام گیری از طبیعت اطراف است. تصاویر شاعرانه و مضامین شعری هر سه شاعر، از عناصر طبیعت مانند انواع گل و گیاه، پرندگان و حیوانات اهلی و غیر اهلی ساخته میشود.

۲- تقریباً در عمده ابیات هر سه شاعر، حداقل یکی از عناصر طبیعی و زیست محیطی وجود داشته است، البته با توجه به تعداد ابیات، تعداد کاربرد عناصر و تنوع کاربرد، توجه منوچهری به این موضوع بیشتر است.

۳- بیشترین عناصر طبیعت، در شعر فرخی به پرندگان و جانوران (بویژه جانوران) اختصاص یافته است ولی در اشعار منوچهری و نیز عنصری مربوط به مدخل مدنیات بوده است. البته در اشعار فرخی نیز مدنیات در رتبه بعدی قرار دارد که نشاندهنده توجه هر سه شاعر به محیط اطراف و نیز زندگی مرفه و پر از نشاط این شاعران دارد.

۴- پس از مدنیات در اشعار منوچهری و عنصری، بیشترین توجه به گلها و گیاهان شده است و حکایت از آشنایی این شاعران با انواع گل و گیاه و درخت و حتی با اجزا و متعلقات آنها و نیز نشان از علاقه و انس آنان، بویژه منوچهری، با طبیعت دارد. در اشعار فرخی، گلها و گیاهان در مرتبه سوم یعنی پس از پرندگان و جانوران و مدنیات قرار دارند.

۵- در میان گلهای خاص، گل لاله و اقسام آن در هر سه شاعر از بسامد بیشتری برخوردار است و در میان درختان و درختچه‌ها، منوچهری به درخت انگور (رز، تاک) و استعارات مربوط به آن بیشترین توجه را داشته و پس از آن، درخت سرو و انواع آن بیشتر مورد توجه بوده است. عنصری و فرخی، برخلاف منوچهری، بیشترین و بالاترین کاربرد را در زمینه درختان، به سرو اختصاص داده‌اند و معلوم میشود آن روحیه شاد و با طراوت منوچهری

در این دو نبوده است. کاربرد بالای درخت سرو در هر سه شاعر نیز به دلیل زیبایی، سرسبزی، راست قامتی سرو و نمود آزادگی بودن آن است.

۶- توجه به انواع و اقسام پرندگان و جانوران نیز در شعر هر سه شاعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما در مقایسه این سه شاعر میتوان نتیجه گرفت که گل و گیاه، در شعر منوچهری نسبت به عنصری از نظر بسامد از جایگاه بالاتری برخوردار است گرچه از این نظر فرخی جایگاه بالاتری نسبت به منوچهری دارد اما از نظر تنوع پرندگان و جانوران، منوچهری نسبت به دو شاعر دیگر جایگاه برتری دارد و این موضوع حکایت از انس و علاقه بیشتر منوچهری نسبت به عناصر مربوط به طبیعت و بویژه انواع گوناگون پرندگان و جانوران و نیز گل و گیاه دارد.

۷- در کاربرد اسامی پرندگان به شکل خاص، بلبل و مترادفات آن در شعر منوچهری بیشترین کاربرد را داشته است و در شعر فرخی بلبل در مرتبه دوم و پس از پرنده «باز» قرار دارد. دلیل توجه به بلبل سنت شعری فارسی است که بلبل به دلیل نغمه و آهنگ زیبایش مورد توجه قرار میگیرد. اما فرخی به دلیل وجود روحیه رزم و مدح و مبالغه و اغراق در وجود او و تناسب آن با روحیه ممدوح، از پرنده‌ای که با این روحیه همخوانی دارد، یعنی «باز» بیشتر استفاده کرده است. البته پس از آن بلبل بیشترین کاربرد را دارد. نکته قابل توجه در این بخش تنوع زیاد پرندگان در شعر منوچهری است که حدود پنجاه نوع از پرندگان به شکلهای گوناگون مورد توجه بوده است؛ اما عنصری، بیشتر از تعبیر عام مانند مرغ و پرنده استفاده کرده است و کمتر به پرندگان خاص توجه داشته است.

۸- در میان حیوانات اهلی در شعر منوچهری و عنصری، اسب و انواع و مترادفات آن مانند بیشترین کاربرد را داشته است و در شعر فرخی نیز اسب پس از پیل بیشترین کاربرد را دارد که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص اسب در زندگی آن دوره است. جانورانی مانند آهو، باز، یوز، پلنگ و شاهین نیز به جهت توجه درباریان این دوره به شکار و صید، از جایگاه خاصی در شعر این شاعران برخوردار هستند.

۹- در میان حیوانات غیر اهلی نیز در شعر هر سه شاعر، «شیر» به دلیل نمود شجاعت و دلیری و تناسب آن با قالب قصیده و موضوع مدح در سبک خراسانی، بیشترین کاربرد را دارد ولی فرخی به همان دلیلی که اشاره شد با بسامد بالایی نسبت به دیگران از این حیوان در شعر استفاده کرده است.

فهرست منابع :

- ۱- امامی، نصرالله، پرنیان هفت رنگ، جامی، ۱۳۸۵.
- ۲- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن و طبیعت، چاپ دوم، تهران، بعثت، ۱۳۶۱.
- ۳- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ چهارم، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
- ۴- خراسانی، نعمت‌الله و اصغر محمدی فاضل، محیط‌زیست در تعالیم الهی، چاپ دوم، تهران سازمان حفاظت محیط‌زیست و دفتر نشر، ۱۳۷۸.
- ۵- درخوش، فایض، فرهنگ تشبیهات دیوان فرخی، پایان نامه، پیام نور اهواز، ۱۳۸۰.
- ۶- رنگچی، غلامحسین، گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی (تا ابتدای مغول)، چاپ اول تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۷- سعیدیان، عبدالحسین، سرزمین و مردم ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات علم و زندگی، ۱۳۸۳.
- ۸- شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- ۹- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی شعر، فردوس، ۱۳۷۶.
- ۱۰- شیخلو، سهیلا، وصف طبیعت در سبک خراسانی، پایان نامه دانشگاه آزاد تهران.
- ۱۱- صادقی، مرضیه، تصویر پردازی در دیوان فرخی سیستانی، پایان نامه، دزفول، ۱۳۸۲.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌اله، تاریخ ادبیات ایران، چاپ پانزدهم، فردوس، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۳- عربی‌نژاد، غلامرضا، تصویر طبیعت در دیوان شاعر ساحر، مرشد، ۱۳۸۸.
- ۱۴- عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد، دیوان اشعار، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
- ۱۵- فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، سخن، ۱۳۸۶.
- ۱۶- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ، دیوان اشعار تصحیح دبیرسیاقی، چاپ ششم، زوار، ۱۳۸۰.
- ۱۷- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، چاپ پنجم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰.
- ۱۸- فرهوشی، بهرام، جهان فروری، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۹- کاویان پور، طلعت، واژه نامه بسامدی فرخی سیستانی، پایان نامه دکتری، تهران، ۱۳۵۲.
- ۲۰- گرامی، بهرام، گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی (تشبیهات و استعارات)، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
- ۲۱- محبوب، محمد جعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، چاپ اول، فردوسی و جامی
- ۲۲- مظفریان، ولی‌الله، فرهنگ نامهای گیاهان ایران، چاپ چهارم، تهران، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۵.

۲۳- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص بن احمد، دیوان اشعار، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ اول، زوار، ۱۳۷۰.

۲۴- وزیر الیهی، علامرضا، گلکاری علمی، تهران، روزبهائی، ۱۳۶۰.

۲۵- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، چاپ دهم تهران، سروش و پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.

۲۶- یوسفی، غلامحسین، بحثی در شرح احوال و آثار و...، علمی، ۱۳۶۸.

۲۷-Fooladi, Mohammad and Mansour Ebrahimi; (2009). Statistical analysis of environmental elements in Manuchihri poems. Research Journal of environmental toxicology. 3(3):132-139.